

Rhetorical analysis of Surah Qalam based on Michael Foucault's model of discourse stylistics

(Received: 2022-06-04 Accepted: 2022-09-01)

Abdul Ahad Gheibi¹
Fereshteh Asghari²

Abstract

Discourse analysis is one of the important discussions of linguistics in the field of accurate understanding and interpretation of texts and the purposeful communication process between sender and receiver and it is one of the new sciences of the West created directly by adopting the thought of Michel Foucault, the founder of discourse stylistics. The structure of the text, the number of types of speech acts, the grammatical style of the sentences, the situational and social context are some of the topics discussed in the discourse model of Michael Foucault. This research seeks to prove that most of the propositions of discourse analysis with Western origin also exist in Arabic rhetoric. In this research, it has been tried to examine all the verses of Surah Qalam with the topics of the semantics of rhetoric and the model of discourse analysis. The findings show that each topic of the science is consistent and compatible with the topics of Foucault's discourse analysis, and all the verbal actions in the verses are used according to the necessity of the present, which is the main condition of rhetoric. It is also possible to understand the environmental influencing factors in the revelation of this surah and its impact on verbal actions, grammatical and semantic continuity affected by style and context which leads to correct understanding of the verses.

Key words: Holy Quran, Surah Qalam, Science of meanings, Discourse stylistics, Michel Foucault

1) Professor of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University Tabriz, Iran. (The Corresponding Author) Email: Abdolahad@azaruniv.ac.ir

2) PhD student in Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University Tabriz, Iran. Email: Asghari.fr1367@gmail.com



تحلیل بلاغی سوره «قلم» با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰)

عبدالاحد غیبی^۱
فرشته اصغری^۲

چکیده

تحلیل گفتمان یکی از بحث‌های مهم زبان‌شناسی در زمینه فهم دقیق و تفسیر متون و فرایند ارتباطی هدفمند میان فرستنده و گیرنده می‌باشد و از جمله علوم جدید غرب است که به صورت مستقیم با تاثیر پذیری از اندیشه میشل فوکو، بنیانگذار سبک‌شناسی گفتمان، ایجاد شده است. ساختار متن، شمار انواع کنش‌های گفتاری، سبک نحوی جملات، بافت موقعیتی و اجتماعی، از مباحث مطرح در الگوی گفتمان‌شناسی میشل فوکو است. این پژوهش در پی آن است تا ثابت کند غالب گزاره‌های تحلیل گفتمان با منشأ غربی، در علم معانی بلاغت نیز وجود دارد. برای نیل به این مقصود، در جستار حاضر سعی شده است با انتخاب سوره مبارکه قلم به عنوان متن هدف، تمامی آیات این سوره با مباحث علم معانی بررسی و سپس با الگوی تحلیل گفتمان میشل فوکو تطبیق داده شود. یافته‌ها نشان می‌دهد هر یک از مباحث علم معانی با محورهای تحلیل گفتمان فوکو منطبق و سازگار است و تمامی کنش‌های کلامی در آیات سوره قلم، با اقتضای حال، که شرط اساسی بلاغت است کاملاً بجا و درست به کار رفته است. همچنین می‌توان به عوامل تاثیرگذار محیطی در نازل شدن این سوره و تاثیر آن بر کنش‌های کلامی، پیوستار دستوری و معنایی و سبک و سیاق ویژه آن که به درک صحیح این سوره می‌انجامد، پی برد.

واژگان کلیدی: قران کریم، سوره قلم، علم معانی، سبک‌شناسی گفتمانی، میشل فوکو

(۱) استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان تبریز ایران (نویسنده مسؤول)، ایمیل: Abdolahad@azaruniv.ac.ir
(۲) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان تبریز، ایمیل: Asghari.fr1367@gmail.com

۱. مقدمه

بررسی متون با رویکرد علم بلاغت، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان بوده است؛ علمای بلاغت به ارتباط ساخت کلام با بافت جمله توجه داشته‌اند و به انطباق کلام با مقتضای حال اهمیت می‌داده‌اند. سکاکی معتقد است «بلاغت کلام همان مطابقت آن با مقتضای حال همراه با فصاحت آن است یعنی رعایت موقعیت نکره و معرفه، اطلاق یا تقييد، تقديم يا تأخير، ذکر يا حذف، فصل يا وصل و کاربرد انواع جملات خبری یا انشایی که به میزان آگاهی یا ناآگاهی مخاطب بستگی دارد.» (سکاکی، ۱۴۲۰: ۷۳) در دنیای معاصر نیز، پژوهشگران با استفاده از دیدگاه‌های جدید زبان‌شناسی و بخصوص تحلیل گفتمان و ارائه الگوهای جدید علمی به بررسی انواع متون می‌پردازند. هدف تحلیل گفتمان، یافتن جهان‌بینی در آن سوی متون است که ناگفته‌های گوینده و نویسنده و اهداف اصلی آن آشکار شود. (ر.ک: ون دایک، ۱۳۸۲: ۴) این شاخه از زبان‌شناسی بر اهمیت بافت اجتماعی (بافت فرهنگی و بافت موقعیتی) در تولید و توسعه زبان تأکید می‌کند. با این نگرش می‌توان گفت، گفتمان نمایان‌گر تبیین زبان فراتر از جمله، کلمه و عبارات است و آن‌ها را در نشانه‌ها و کنش‌های غیرکلامی و کلیه ارتباطات میان افراد می‌توان جستجو کرد. (ر.ک. آفا گل زاده، ۱۳۸۵: ۴۶) در تحلیل گفتمان، اوضاع اجتماعی، موقعیت متن یا گفتار، ارتباطات غیر کلامی و رابطه ساختار کلام و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی بررسی می‌شود.

نظریه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو یکی از این دیدگاه‌ها است. در نظریه میشل فوکو، بنیان‌گذار تحلیل گفتمان، تأکید بر این است که بین متن و بافت تعامل وجود دارد چرا که فوکو گفتمان را فرایندی ارتباطی می‌داند و این ارتباط بین فرستنده و گیرنده هدفمند می‌باشد. لذا «هدف، تأثیر بسزایی در استراتژی گوینده و نویسنده دارد و در شکل گفتار و شیوه ساختار آن تأثیر می‌گذارد و بسیاری از متغیرهای سبکی را تفسیر می‌کند که با فرایندهای زبانی همراه است.» (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۷۲: ۷۴)

قرآن کریم از متون ارزشمندی به‌شمار می‌آید که همواره بررسی‌ها و پژوهش‌های زیادی در بافت معنایی و لغوی آن صورت گرفته است و با طرح نظریه‌های جدید گفتمان‌کاوی، روش‌های متعددی برای مطالعه علمی‌تر این کتاب آسمانی معرفی شده است تا مشکلات فهم و تحلیل آیات را هموار و راز و رمزهای آن را آشکارتر سازد. بررسی و تحلیل آیات قرآن با رویکرد تحلیل گفتمانی به فهم دقیق‌تر و منطقی‌تر آن می‌انجامد چرا که با درک لایه‌های زیرین زبان قرآن به فهم حقایق نهفته در آن کمک شایانی خواهد شد و با توجه به بافت، ساختار، سبک و چینش آیات می‌توان به انسجام و ارتباط دقیق و هوشمند کلام خداوند دست یافت. جستار پیش رو به تحلیل سوره قلم با رویکرد گفتمانی میشل فوکو و رابطه آن با علم بلاغت با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی می‌پردازد. علت انتخاب سوره قلم جهت بررسی این است که آیات آن، تمامی سبک‌ها و کنش‌های گفتاری را در بر دارد و از

این رهگذر، تک تک سبک‌ها و کنش‌های نظریه مذکور در جملات آن قابل اعمال است.

۱.۱. سوالات پژوهش

هدف از پژوهش و بررسی سوره مبارکه قلم با رویکرد گفتمان‌شناسی، پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- مباحث علم معانی در سوره قلم تا چه اندازه با نظریه میشل فوکو سازگار است؟
- سبک نحوی و کنش‌های گفتاری، چه کمکی به فهم دقیق‌تر آیات کرده است؟
- بافت موقعیتی چه اندازه بر سبک بیان جملات و اسلوب تأثیرگذار بوده است؟
- کدام کنش گفتاری در سوره از بسامد بالایی برخوردار است؟
- چه رابطه‌ای میان کنش‌های کلامی آیات، با مقتضای حال در بلاغت وجود دارد؟

۲.۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه بحث گفتمان، از مباحث نوین زبان‌شناسی در عصر حاضر و در عین حال از برجسته‌ترین روش تحلیل ارتباط به‌شمار می‌آید تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد نظریه‌های گفتمان‌شناسی انجام یافته است، اما با بررسی‌های انجام شده، تاکنون پژوهش‌های اندکی به بررسی موردی متون با نظریه گفتمانی میشل فوکو و ارتباط آن با علم معانی پرداخته است که از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- «بررسی سوره عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو» (محمد جرفی و عباد محمدیان، ۱۳۹۳) و «بررسی و تحلیل سوره مجادله بر اساس سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو» (محدثه قادری و حسین خاک‌پور، ۱۳۹۷) در این دو مقاله مؤلفان کوشیده‌اند از نظر سبک گفتمانی، به روابط بین پاره گفته‌ها در این سوره‌ها، با توجه به عوامل برون‌متنی و درون‌متنی مؤثر بر ساختار گفتمانی سوره پردازند.

- «بررسی الگوی تحلیل گفتمان میشل فوکو و مباحث علم معانی در نامه‌های عاشقانه چهار منظومه غنایی» (فرزانه امیرپور و سیده مریم روضاتیان، ۱۳۹۷) در این پژوهش سعی شده نامه‌های عاشقانه چهار منظومه غنایی از نظر سبک نحوی و شمار نوع جملات به طور دقیق تحلیل شود و از نظر مباحث علم معانی مطابقت گردد و هر کدام در قالب جدول ارائه گردیده است.

- «تبیین رابطه بلاغت با نفوذ قدرت در شعر ملک الشعرای بهار» (مجید بهره‌ور، قاسم سالاری، مهدی وفایی‌جو، ۱۳۹۴) این پژوهش از منظر دیگری به تحلیل گفتمان و ارتباط آن علم بلاغت پرداخته است و مؤلف سعی نموده با دخالت دادن عنصر قدرت در تحلیل گفتمانی و انتقادی بلاغت، تناقضات موضوعی و تنوع بیانی در دیوان بهار را تا حدودی رفع نماید.

۲. گفتمان در اندیشه فوکو

گفتمان به مجموعه‌ای از گزاره‌ها اطلاق می‌شود که مفهومی کلی را در بر می‌گیرد. امروزه تحلیل گفتمان رویکردی بین رشته‌ای است که گفتمان نوشتاری و یا گفتاری، تأثیرات جامعه بر گفتمان، نوع روابط انسانی و چگونگی تولید آن در زبان را بررسی می‌کند. گرایش اول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی و سطح دیگر آن در فلسفه سیاسی و اجتماعی است. (صالحی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۴) در دنیای معاصر گفتمان به یکی از پرکاربردترین مفاهیم علوم اجتماعی تبدیل شده است. گفتمان‌ها تنها نیستند آن‌ها غریبانه و بی‌احتیاط با سایر گفتمان‌ها زندگی نمی‌کنند. گفتمانی ممکن است شبیه گفتمان دیگر باشد یا گفتمان‌ها می‌توانند رفتار خصمانه‌ای نسبت به یکدیگر داشته باشند. به طور کلی رابطه بین یک گفتمان با دیگر گفتمان‌ها می‌تواند به شکل شباهت، تضاد، رابطه تکمیلی یا محدودیت متقابل باشد. (فوکو، ۱۹۶۹: ۹۲-۹۳) به همین دلیل است که نظریه گفتمان فوکو از ساختارگرایی فراتر می‌رود. در این بررسی ادبی «دو مکتب بزرگ وجود دارد نخست مکتب انگلیسی-آمریکایی که مطالعه را بر اشکال مختلف ارتباط شفاهی قرار می‌دهد و دوم مکتب فرانسوی که گفتمان‌کاوی را بر اساس متون مکتوب بنیان نهاده است.» (مکاریک، ۱۳۹۰: ۲۶۰) مکتب فرانسوی این رویکرد بر پایه آثار میشل فوکو بوجود آمده است. «مهم‌ترین مفهوم فوکو در انجام پژوهش، گفتمان (و نه جامعه) است که از طریق آن، او به صورت‌بندی‌های گفتمان‌ها و تأثیرات آن‌ها بر امر واقع می‌نگرد.» (فوکو، ۱۹۹۱: ۸۵)

از نظر فوکو گفتمان‌ها به صورت روشمند و منسجم، سازنده و شکل دهنده موضوعات هستند، اما به طور آشکار در امر سازندگی دخل و تصرف ندارند از این رو گفتمان امری فرا زبانی است که در واقع هم به عناصر زبانی و هم عناصر غیر زبانی مرتبط است. فوکو، گزاره‌ها را با پدیده‌ای به نام کنش‌های کلامی جدی محدود و محصور می‌سازد. مقصود فوکو از کنش‌های کلامی جدی، کنش‌های معمولی و روزمره نیستند، بلکه کنش‌هایی هستند که از طریق فعالیتی معتبر، نافذ و مستقل ایجاد می‌گردند. به نظر او هر کنش کلامی در صورتی جدی است که بتوان در مورد آن، قوانین لازم برای ارزیابی و اعتبارسنجی ایجاد کرد. مثلاً جمله «باران خواهد بارید» یک کنش کلامی روزمره است که تنها معنا و اهمیت محلی و مکانی دارد، اما این گزاره در صورتی که توسط کارشناس هواشناسی، با توجه به قواعد خاصی ادا شود یک کنش کلامی جدی محسوب می‌شود. (سلیمی نوه، ۱۳۸۸: ۶-۷) فوکو قواعدی را مطرح می‌کند که به صورت‌بندی یک گفتمان می‌انجامد و عبارتند از: «الف) وحدت موضوع احکام ب) وحدت شیوه بیان آن‌ها ج) وحدت نظام مفاهیم آن‌ها د) وحدت بیان نظری آن‌ها». (فوکو، ۱۳۸۹: ۲۱) که با نظم و همبستگی میان این موارد چهارگانه یک صورت‌بندی گفتمانی به صورت نظام یافته شکل می‌گیرد. «او سه کاربرد از مفهوم گفتمان ارائه می‌دهد که همگی بر مبنای یک «اتم» هستند. او گفتمان را یا به عنوان «قلمرو عمومی

گزاره‌ها»، یا گروه قابل انفراد گزاره‌ها و یا به عنوان رویه تنظیم شده‌ای که تعداد مشخصی از گزاره‌ها را توضیح می‌دهد به کار می‌برد». (فوکو، ۱۹۶۹: ۸۰)

۳. بافت موقعیتی سوره قلم

این سوره در اوائل دعوت پیامبر(ص) در مکه نازل شده و دارای ۵۲ آیه است و دومین سوره در ترتیب نزول و شصت و هشتمین سوره قرآن می‌باشد که بعد از سوره علق نازل شده است. سوره قلم تنها سوره‌ای است که با حرف مقطعه «ن» و قسم به قلم آغاز شده است. این سوره در شرایطی نازل شده که پیامبر دعوت خود را علنی کرده بود و همگان از محتوای رسالت وی مطلع شده بودند و اولین تحدی قرآن با توجه به امی بودن پیامبر(ص) در این سوره آمده است. گرچه بعضی مفسران معتقدند قسمتی از آن در مدینه، و قسمتی در مکه نازل شده، ولی لحن سوره و محتوای آیات هماهنگ با سوره‌های مکی است و «با توجه به انسجام و پیوند موضوعی بخش‌های مختلف سوره، سیاق همه آیات یکی است و اسلوب آیات نیز به سبک و اسلوب سوره‌های مکی شباهت بیشتری دارد.» (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۳۶۷)

۴. بافت بنایی سوره قلم

در ساختمان سوره قلم سه بخش مقدمه، بدنه و خاتمه به وضوح دیده می‌شود که با وجود مضامین و مطالب متفاوت حاوی پیام واحدی هستند که به صورت نظام‌مند و منسجم و با دقت و استواری پی ریزی شده‌اند. سوره قلم بر محور مسأله نبوت پیامبر(ص) و مبارزه با دشمنانی که او را مجنون می‌خواندند و دعوت به صبر و استقامت، و در آخر اندرز و تهدید مخالفان به عذاب الهی دور می‌زند و به موضوعاتی چون بیان عظمت قلم، شرح داستان عبرت انگیز اصحاب جنه، مقام و عظمت رسول خدا(ص) و ویژگی‌ها و اخلاق برجسته ایشان، شرح سرنوشت پرهیزکاران و بدکاران، راجع به قیامت و عذاب کافران، بیان عظمت قرآن و توطئه‌های دشمنان بر پیامبر(ص) اشارات پر معنایی شده است. بخش مقدمه این سوره به دلایل نفی اتهام جنون از پیامبر و تأکید به حقانیت آن حضرت می‌پردازد و بدنه اصلی سوره خصوصیات شخصیتی و اخلاقی تهمت زندگان، عاقبت شوم تهمت زندگان مشرک و وظیفه پیامبر در برابر آن‌ها را بیان می‌دارد و بخش خاتمه سوره که در دو آیه پایانی به نتیجه‌گیری از محتوای سوره و جمع‌بندی مضمون آن می‌پردازد، به اوج درماندگی مشرکان اشاره شده است.

۵. اقسام کنش‌های گفتمانی از دیدگاه میشل فوکو

بنا بر نظریه سبک‌شناسی گفتمانی، اولین مرحله در تحلیل گفتمان، واکاوی جمله‌ها از لحاظ سبک نحوی آن است که به دو لایه، سبک نحوی گسسته و سبک نحوی هم‌پایه تقسیم می‌شود. از دیگر مطالعات این سبک، تحلیل جمله‌ها به لحاظ کنش‌گفتاری است که

به ۵ گروه تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱) کنش تصریحی یا اظهاری (۲) کنش ترغیبی (۳) کنش عاطفی (۴) کنش تعهدی (۵) کنش اعلامی (سرل، ۱۳۸۵: ۳۴۴)، که به بررسی هر یک از این کنش‌ها و تحلیل آیات با توجه به این سبک پرداخته می‌شود:

۵. ۱. واکاوی جمله‌ها از لحاظ کنش دستوری (سبک نحوی)

جملات که واحدهای واقعی زبان به‌شمار می‌روند، با استفاده از قواعد نحوی ساخته و پرداخته می‌شوند. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، کیفیت وجه و زمان، همگی بیان‌کننده نوع اندیشه است. بنابراین حالات روحی و ذهنیات پنهان‌گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند. (محمدی افشار به نقل از فتوحی، ۱۳۹۶: ۲۶۷) در سبک‌شناسی گفتمان واکاوی جملات از نظر سبک نحوی که نخستین مرحله در تحلیل متون است، جمله‌ها از لحاظ دستوری به دو لایه سبک نحوی گسسته و سبک نحوی هم‌پایه تقسیم می‌شود. این مبحث از نظریه گفتمان فوکو با مبحث فصل و وصل در علم معانی بلاغت منطبق است.

۵. ۱. ۱. سبک نحوی گسسته (فصل)

«سبک نحوی گسسته در بردارنده گروهی از اندیشه‌های مستقل است که در جمله‌های کوتاه مقطع و مستقل در کنار یکدیگر می‌آیند و هر جمله در بردارنده یک اندیشه مستقل است و می‌توان آن‌ها را با نقطه از هم جدا کرد. این سبک باعث سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی می‌شود و به روند داستان و روایت شتاب می‌بخشد.» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۷۶) فصل نیز در علم بلاغت، ترک ربط بین دو جمله است، زمانی که در شکل و معنا با هم متحد باشند یا اینکه پیوند و اتحادی بین دو جمله در ظاهر و معنا وجود نداشته باشد. ساختار نحوی سوره قلم همانند بسیاری از سوره‌های مکی دارای جملات کوتاه است؛ زیرا رویکرد سوره‌گزاره‌های قطعی است که استدلال و گسترش عبارت را نیاز ندارد. از نظر نوع جملات، متناسب و همگون با محتوای سوره که رویکرد هشدار در آن برجسته است، سبک نحوی متن، شیوه‌ای محکم و راسخ را می‌طلبد. از این رو در این موارد جمله‌های اسمیه که بر ثبوت و دوام و جمله فعلیه که بر نوبه نو شدن و حادث شدن دلالت دارند به‌کار گرفته شده است. (اله‌اشمی، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۶) این سبک در قسمت‌های مختلف سوره قلم مشاهده شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

﴿إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ، سَنَسِفُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ، إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ﴾ (قلم/۱۵-۱۷)؛ «هنگامی که آیات ما را بر او می‌خوانند، گویند: افسانه‌های پیشینیان است. به زودی بر بینی‌اش داغ رسوایی و خواری می‌نهمیم. بی‌تردید ما آنها را آزمودیم همان‌گونه که صاحبان آن باغ را آزمودیم، هنگامی که سوگند

خوردند که صبح گاهان حتما میوه‌های باغ را بچینند.»

در آیه ۱۵، جمله «قال أساطیر الأولین»، و در آیه ۱۷، جمله «إذ أقسموا...»، به جمله ما قبل خود عطف نشده است و جملات دارای سبکی گسسته و از لحاظ بلاغی، بین جمله‌ها «شبه کمال اتصال» وجود دارد، زیرا ارتباطی قوی بین جمله‌ها برقرار است که مانع وصل دو جمله گردیده است. یا جمله دوم، پاسخ پرسشی قرار گرفته که از جمله نخست فهمیده می‌شود. جمله قال... پاسخی است برای پرسش مقدری که در ذهن مخاطب ایجاد شده، که وقتی آیات الهی بر کافران خوانده شود چه خواهند گفت؟ و خداوند پاسخ می‌دهد: قال أساطیر الأولین. و جمله دوم آیه ۱۷ نیز پاسخ سوال مقدری است که از جمله اول به ذهن متبادر می‌شود، که خداوند چه زمانی تصمیم به آزمودن صاحبان باغ نمود؟ و بدون آوردن واو عطف می‌فرماید: إذ أقسموا...

﴿فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ، بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ، قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ، قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ، فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ ، قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ، عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾ (قلم/۲۶۷-۳۲)؛ «پس چون به باغ رسیدند و آن را نابود دیدند گفتند: یقیناً ما گمراه بوده‌ایم. بلکه ما محرومیم. عاقل‌ترینشان گفت: آیا به شما نگفتم که چرا خدا را یاد نمی‌کنید؟! گفتند: پروردگارا تو را به پاکی می‌ستاییم مسلماً ما ستمکار بوده‌ایم. پس به یکدیگر رو کرده و به سرزنش و ملامت هم پرداختند. گفتند: وای بر ما که طغیانگر بوده‌ایم. امید است پروردگاران بهتر از آن را به ما عوض دهد چون ما به پروردگاران راغب و علاقه‌مندیم.»

به غیر از آیه ۳۰، که جمله «یتلاومون» ابهام جمله ما قبلش «فاقبل...» را برطرف می‌کند، بین دو جمله، «کمال اتصال» برقرار است که مانع از عطف دو جمله به یکدیگر شده است، در بقیه جمله‌ها فصل، از نوع شبه کمال اتصال است. موانع عطف و در واقع جدایی دو جمله در «کمال اتصال» زمانی بوجود می‌آید که میان دو جمله اتحاد و همبستگی کامل باشد، مانند جایی که جمله دوم بدل از جمله نخست باشد، یا ابهام جمله نخست را برطرف کند و یا تأکیدکننده جمله اول باشد.

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ، أَفْجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ، مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ، أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ، إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ، أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ، سَأَلَهُمْ أَنَّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ، أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ (قلم/۳۴-۴۱)؛ «بی‌تردید برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت‌های پر نعمت است. آیا تسلیم شدگان را چون مجرمان قرار می‌دهیم؟ شما را چه شده؟ چگونه داوری می‌کنید؟ آیا شما را کتابی است که در آن می‌خوانید. که در آن جهان هر چه را شما بخواهید و انتخاب کنید برای شما خواهد بود؟! یا شما را بر ما تا روز قیامت پیمان و سوگند استواری است که هر چه را به سود خود حکم کنید ویژه شماست؟! از آنان پرس کدامشان ضامن آن

ادعاست؟ یا شریکانی دارند پس اگر راست گویند، شریکانشان را آورند.»

در این آیات خداوند به برجسته‌سازی جملات کوتاه و پرسش‌هایی می‌پردازد که به صورت مقطع و بدون عطف کنار هم قرار گرفته‌اند تا به متنبه ساختن مخاطب بپردازد. در واقع، عدم حروف عطف بین جملات باعث هیجان‌انگیزی و تندی سبک گردیده و سبک از نوع گسسته است. در آیه ۳۶، جمله استفهامی «کیف تحکمون»، جمله استفهامی ماقبلش را تأکید می‌کند که در حقیقت پیوند بین آن‌ها از نوع کمال اتصال است. آیه ۳۷ نیز تأکیدکننده آیه ۳۶، و بین این دو آیه نیز کمال اتصال برقرار است. فعل امر «سلم»، در آیه ۳۹، با جمله استفهامی مابعدش، بدون عطف آمده است چرا که جمله دوم توضیح‌دهنده و رفع‌کننده ابهام جمله اول است. از این رو این دو جمله، کمال اتصال را دارا است. همچنین در آیه ۴۰، جمله «فلیأتوا...» جمله ماقبلش را تأکید کرده و فصل، از نوع کمال اتصال است.

﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذُلَّةٌ...﴾ (قلم/۴۳)؛ «دیدگانیشان از شرم و حیا به زیر افتاده، خواری و ذلت آن‌ها را فرا گیرد...»

قسمت اول آیه ۴۳، نیز سبک از نوع گسسته است و بین دو جمله «خاشعاً أبصارهم» و جمله «ترهقهم ذلّة» کمال اتصال برقرار است چرا که جمله دوم تأکیدکننده یا بدل از جمله اول است.

﴿فَذَرْنِي وَ مَنْ يَكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (قلم/۴۴)؛ «پس مرا با کسانی که این قرآن را تکذیب می‌کنند واگذار. به زودی ما آنان را به تدریج از آنجا که نمی‌دانند به سوی عذاب می‌کشانیم.»

در این آیه، سبک نحوی از نوع گسسته و جمله دوم «سنستدرجههم...»، بدون عطف به ماقبلش آورده شده است چرا که از جمله ما قبل خود رفع ابهام، و آن را توضیح می‌دهد.

۵. ۱. ۲. سبک نحوی هم‌پایه (وصل)

سبک هم‌پایه در جملات بلند به کار می‌رود و گفتگویی آرام را رقم می‌زند. این سبک، جمله‌های مستقیم را با واو عطف به هم پیوند می‌زند و از نوع سبک‌های ترکیبی است که در آن جمله‌ها به هم وابسته‌اند و حرکت سبک را کند می‌کند. این جملات برای توضیح مطالب مهم و گاه مبهم به کار می‌رود. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۷) با توجه به اقتضای معنایی و دستوری، کاربرد ادات وصل به‌ویژه حرف واو که یک عنصر پیوندی و انسجامی است، باعث شکل‌گیری سبکی آرام توأم با تأمل و تفکر برای مخاطب می‌گردد تا از نکات مهم بهره‌بردار که با توجه به پیوستار معنایی میان آیات، این سبک در آیات سوره قلم مورد بررسی قرار می‌گیرد:

﴿يَنْ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ، وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ، وَإِنَّكَ

لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ، فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ، بِأَبْيُكُمُ الْمَفْتُونُ ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ، فَلَا تَطْعُ الْمُكْذِبِينَ ، وَدُّوْا لَوْ تَدَّهْنُ فَيُدَّهِنُونَ ، وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَاْفٍ مَّهِيْنٍ ، هَمَّا ز مَشَاءٍ بَنَمِيْمٍ ، مَنَّاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَتِيْمٍ ، عُتِلْ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيْمٍ ، أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِيْنٍ ﴿قلم/۱-۱۴﴾؛ «نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسد. که به سبب نعمت و رحمت پروردگارت، تو مجنون نیستی. و بی تردید برای تو پاداشی دائم و همیشگی است؛ و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری، پس به زودی می بینی و می بینند، که کدام یک از شما دچار جنون اند؛ بی تردید پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و او به راه یافتگان داناتر است پس از تکذیب کنندگان فرمان مبر. دوست دارند نرمی کنی تا نرمی کنند، و از هر سوگند خورده زبون و فرومایه فرمان مبر، آنکه بسیار عیب جوست، و برای سخن چینی در رفت و آمد است، به شدت بازدارنده از کار خیر و متجاوز و گنهکار است، گذشته از این ها کینه توز و بی اصل و نسب است، که دارای ثروت و فرزندان فراوان است.»

در این بخش از سوره سبک نحوی جمله ها، سبک هم پایه است که جمله ها با عطف شدن سبکی آرام را رقم می زنند. خداوند سوره را با قسم یاد کردن آغاز کرده و همان طور که «از ظاهر سیاق برمی آید منظور از قلم، مطلق قلم و مطلق هر نوشته ای است که با قلم نوشته می شود، و از این جهت این سوگند را یاد کرده که قلم و نوشته از عظیم ترین نعمت های الهی است که خدای تعالی بشر را به آن هدایت کرده» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹/۶۱۱۶)؛ و همچنین به توضیح عصمت و مصونیت پیامبر و اخلاق عظیم و برجسته ایشان، و اجر و پاداشی که بی منت است و هرگز قطع نمی شود می پردازد. سپس در ادامه آن پیامبر را از اطاعت مشرکان نهی کرده و صفات مذمومی را پشت سر هم برمی شمرد که هر یک به تنهایی می تواند مانع اطاعت و تبعیت گردد.

﴿إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرُمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَلَا يَسْتَشْنُونَ (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَأَصْبَحَت كَالصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ (۲۱) أَنْ ائِدُوا عَلَي حَرِّثْكَمَ اِن كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲) فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ (۲۳) اَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا اَلْيَوْمَ عَلَيكُمْ مِسْكِينَ (۲۴) وَغَدُوا عَلَي حَرْدٍ قَادِرِينَ (۲۵)﴾ ﴿قلم/۱۷-۲۵﴾؛ «..هنگامی که سوگند خوردند که صبحگاهان حتماً میوه های باغ را بچینند، و چیزی از آن را برای تهیدستان و نیازمندان استثنا نکردند، پس در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند بلایی فراگیر از سوی پروردگارت آن باغ را فرا گرفت، پس آن باغ به صورت شبی تاریک در آمد، و هنگام صبح یکدیگر را آواز دادند که اگر قصد چیدن میوه دارید بامدادان به سوی کشتزار و باغات حرکت کنید؛ پس به راه افتادند در حالی که آهسته به هم می گفتند: امروز نباید نیازمندی در این باغ بر شما وارد شود و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم گذارند به سوی باغ روان شدند.»

از آیه ۱۷ «برمی آید که قبل از رسیدن فردای مذکور دور هم جمع شده مشورت کرده اند که صبح همان شب میوه را بچینند و لا یستشنون بدون اینکه بگویند: ان شاء الله می چینیم،

بلکه همه اعتمادشان بر نفس خودشان و بر اسباب ظاهری بود.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۲۶) و برخی نیز گفته‌اند منظور از عدم استثناء این است که هیچ از آن (محصول) استثناء نکنند و برای مستمندان هم چیزی فرو بگذارند. سپس در ادامه سخن می‌افزاید: به هنگام شب، در آن موقع که همه در خواب بودند عذاب و بلایی فراگیر از ناحیه پروردگارت بر تمام باغ فرود آمد و آن باغ خرم و سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی گردید؛ و منظور این است که چیزی جز مثنی ذغال و خاکستر سیاه از آن باقی نماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۹۶۳۹۵/۲۴) لذا می‌بینیم که در این قسمت آیه‌ها نیز سبک نحوی از نوع هم‌پایه است و جمله‌ها از آرامش برخوردارند تا مخاطب بتواند با مفهوم آیات رابطه بیشتری برقرار کند.

﴿كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)﴾ (قلم/۳۳)؛ «چنین است عذاب، و عذاب آخرت اگر معرفت و آگاهی داشتند، بزرگ‌تر است.»

کلمه کذلک خبر مقدم و کلمه العذاب مبتدای مؤخر است و با عطف جمله بعد به جمله پیشین، عظمت و بزرگی عذاب آخرت را بیان می‌دارد «و این که فرمود: هر آینه عذاب آخرت بزرگ‌تر است اگر بفهمند، علتش این است که عذاب آخرت از قهر الهی منشأ دارد و چیزی و کسی نمی‌تواند در برابرش مقاومت کند، عذابی است که خلاصی از آن نیست.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۳۰)

﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ (قلم/۴۲)؛ «روزی را که کار بر آنان به شدت سخت و دشوار شود، به سجده کردن دعوت شوند، ولی در خود قدرت و استطاعت نیابند.»

کلمه یوم ظرف زمان است، متعلق به فعلی که در تقدیر است مانند: اذکر (به یاد آور) و امثال آن، و تعبیر کشف از ساق مثلی است برای افاده نهایت درجه شدت، چون وقتی انسان به سختی دچار زلزله، سیل یا گرفتاری می‌شود شلوار را بالا کشیده کمر را می‌بندد تا بهتر و سریعتر به تلاش پردازد و تنها راه سعادت در آخرت، سجود است یعنی خاضع شدن برای خدای سبحان و یگانگی او در ربوبیت، اما این تکذیب‌گران که در دنیا برای خدا سجده نکردند در آخرت هم نمی‌توانند برای او سجده کنند، در نتیجه سعادت مند نمی‌شوند (همان: ۶۴۴)؛ که مفهوم این امر به خوبی با واو عطف و وصل میان دو جمله، آشکار شدن آن واقعه عظیم و فراخوانده شدن به سجده، محقق شده است.

﴿.. وَفَدَّ كَانُوا يُدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (۴۳) فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴) وَأَمَلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ (۴۵) أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مَعْرَمٌ مُنْقَلَبُونَ (۴۶) أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ (۴۷) فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸) لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَبَدَّ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹) فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰) وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ

إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱) وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرًا لِّلْعَالَمِينَ (۵۲) ﴿قلم/۴۳-۵۲﴾؛ «... و اینان به سجده دعوت می شدند در حالی که تندرست بودند، پس مرا با کسانی که این قرآن را انکار می کنند واگذار، به زودی ما آنان را به تدریج از آنجا که نمی دانند به سوی عذاب می کشانیم و آن ها را مهلت می دهیم، بی تردید نقشه و تدبیر من استوار است. مگر از آنان در برابر ابلاغ رسالت پاداشی می طلبی که از خسارت و زینش سنگین بارند؟ یا غیب نزد آنان است و آنان می نویسند؟ پس در برابر حکم و قضای پروردگارت شکبیا باش و مانند صاحب ماهی مباش و در آن حال با دلی مالا مال از اندوه خدا را ندا داد، اگر رحمت و لطفی از سوی پروردگارش او را در نیافته بود یقیناً نکوهش شده به صحرایی بی آب و گیاه افکنده می شد. پس پروردگارش او را برگزید و از شایستهگان قرار داد، و کافران چون قرآن را شنیدند نزدیک بود تو را با چشمانشان بلغزانند و می گویند: بی تردید او دیوانه است.»

مراد از سالم بودن (و هم سالمون) سالم بودن از آفات و امراضی است که در آن روز بخاطر استکبار گریبانشان را گرفت و نگذاشت حق را بپذیرند و جمله (فذرنی و من یکذب...)، کنایه است از اینکه خدای تعالی به تنهایی برای عذاب آنان کافست و قید (من حیث لا یعلمون) برای این است که این هلاکت از راه نعمت فراهم می شود، که کفار آن را خیر و سعادت می پندارند. و مراد از این «إزلاق به إیصار» به طوری که همه مفسرین گفته اند، چشم زدن است که خود نوعی از تأثیرات نفسانی است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۶۵-۶۶۹) همان طور که می بینیم ادات وصل و واو عطف برای حرکت دادن و مهیا کردن جمله ها برای روند داستان به کار رفته است و سبک نحوی کند و آرام، متناسب با آن برای توضیح جمله ها به زیبایی به کار گرفته شده است. «در حقیقت وجود حروف ربط، مانع سرکشی و تندى و تیزی سبک می شود.» (لونگینوس، ۱۳۷۹: ۶۵)

۲.۵. واکاوی جمله ها از لحاظ کنش گفتاری

یکی دیگر از مطالعات الگوی بررسی گفتمان، تحلیل جملات بر پایه کنش گفتاری است، «در کنش گفتاری تنها معنای ظاهری منظور نیست؛ بلکه شرایط زمانی و فرهنگی و مکانی را به صورت پنهان با خود دارد و شامل ناگفته های یک متن می شود.» (یار محمدی، ۱۳۸۵: ۳۵) این کنش به ۵ بخش تقسیم بندی می شود:

۲.۵.۱. کنش تصریحی یا اظهاری

این کنش «برای بیان یک واقعه یا گزارشی از یک فرایند است. این نوع کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره ای بیان می کند و نشان می دهد که گوینده می کوشد تا حال روانی و عقده خود را به زبان ساده به شنونده منتقل کند.» (اکمجیان، ۱۳۸۲: ۳۸۹) در متون بلاغی این نوع از جمله ها که بی بهره از تأکید هستند، جملات خبری ابتدائی خواننده می شود. در

این حالت ذهن مخاطب از مدلول خبر خالی است و حالت شک یا انکار نسبت به آن وجود ندارد. «جمله خبری ذاتا، یعنی با قطع نظر از خصوصیات حال خبر و مُخبر، قابل صدق و کذب است.» (همایی، ۱۳۷۴: ۹۲) این دسته از خبرها منطبق با کنش تصریحی در تحلیل گفتمان است و گوینده به سادگی شنونده را از موضوعی آگاه می‌سازد. در ذیل به آیاتی که کنش تصریحی دارند اشاره می‌شود:

﴿فَسْتَنْبِئْ وَيُبْصِرُونَ، بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ﴾ (قلم/۵-۶) خداوند در این آیات یادآور می‌شود، اینک بدان که به زودی اثر دعوت روشن خواهد گشت و برای دیدگان ظاهری و باطنی خلق معلوم خواهد شد که مفتون به جنون کیست.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۲۰) خبر از نوع جمله فعلیه و استمرار و نو به نو شدن را می‌رساند و سخن بدون تأکید آورده شده است.

﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم/۹) کلمه یدهنون از مصدر ادهان (باب افعال)، و دهن به معنای روغن است و کنایه است از نرمی و روی خوش نشان دادن. «نرمش و انعطاف به معنی صرف نظر کردن از قسمتی از فرمان‌های خدا به خاطر آنان.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۸۴) کنش این بخش از آیه نیز تصریحی است.

﴿إِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ، سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطوم﴾ (قلم/۱۵-۱۶) آیه شریفه ۱۵، فعل نهی لا تطع در آیه ۱۰ را تعلیل می‌کند. و مصدر وسم و همچنین سمه به معنای علامت‌گذاری است و کلمه خرطوم به معنای بینی است. و ظاهراً منظور از علامت‌گذاری در بینی او این باشد که بی‌نهایت او را خوار می‌کنیم و ذلتی نشان‌دار به او می‌دهیم. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶۲۴) آیات از نوع خبر ابتدائی و هدف، توییح و ملامت کافران و از جهت دیگر، تهدید آنان است.

آیات ۱۹ تا ۲۵ سوره نیز تصریحی و از نوع خبر ابتدائی است که جمله‌ها بدون تأکید آورده شده‌اند و خداوند فرایند نازل شدن عذابی آسمانی را در شب هنگام، زمانی که صاحبان بستان در خواب بودند، بیان می‌نماید.

﴿كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (قلم/۳۳) جمله، خبر ابتدائی از نوع اسمیه است که از مبتدا و خبر ترکیب شده و ثبوت و دوام عظیم و بزرگ بودن عذاب آخرت را می‌فهماند «یعنی نمونه عذابی که ما بشر را از آن زنه‌ار می‌دهیم عذاب اصحاب باغ است.» (همان: ۶۲۹)

- در آیات ۴۲ و ۴۳، خداوند با جملات ابتدائی، خبر از واقعه عظیمی می‌دهد و آگاه می‌سازد که «آن روز که دعوت می‌شدند در برابر خدای سبحان سجده کنند با اینکه سالم بودند و می‌توانستند سجده کنند و بهترین تمکن را داشتند سجده نکردند و به دعوت انبیا اعتنا نمودند.» (همان: ۶۴۵) کنش این بخش از آیات نیز تصریحی است.

﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (قلم/۵۰) جمله خبری فعلیه از نوع ابتدائی و بدون

تأکید آمده است و آمدن زمان ماضی وضعاً نشان‌دهنده‌ی حدوث است و مفید ثبوت و دوام و استمرار و تجدد نیست چرا که یک بار اتفاق افتاده است، لذا خداوند می‌فرماید: پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد.

۵. ۲. ۲. کنش ترغیبی

در این نوع کنش، گوینده در صدد تلاش برای ترغیب و وا داشتن مخاطب برای انجام کارهاست. این کنش در علم معانی، برابر با جملات انشاء طلبی مانند: امر و نهی، تمنی و استفهام است. «امر، طلب حصول فعل است، بر سبیل استعلاء؛ یعنی در حالتی که طالب خود را در شأن و مرتبه، بالاتر از کسی که از او طلب می‌کند بداند.» (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۴۹) استفاده از جملات استفهامی برای آگاه کردن مخاطب از عواطف و احساسات متکلم و جلب توجه مخاطب بوده است تا ذهن شنونده را برای پاسخی که برای خود متکلم روشن و آشکار است، ترغیب سازد. گاهی جملات استفهامی از هدف اصلی خود، که پرسش از موارد مجهول و نامعلوم، برای رسیدن به آگاهی است، خارج گشته و برای اهداف دیگری، معانی ثانوی به خود می‌گیرد که این معانی ثانوی باعث ایجاد ارتباط بهتر با مخاطب و تأثیرگذاری بر عواطف و احساسات شنونده می‌شود و در واقع برای دریافت پاسخ و یا شنیدن آری و یا خیر بیان نشده است، در ذیل به این آیات اشاره شده است:

﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾ (استفهام انکاری برای سرزنش)

﴿فَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ (استفهام انکاری از نوع تقریر)

﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (استفهام برای تعجب)

﴿أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ﴾ (استفهام انکاری برای تکذیب)

﴿إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ﴾ (استفهام انکاری برای تکذیب)

﴿أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ﴾ (استفهام انکاری از نوع تقریر)

﴿سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ﴾ (استفهام انکاری از نوع تقریر)

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ (استفهام برای نفی)

﴿ذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهِذَا الْحَدِيثِ ...﴾ (استفهام برای تهدید و ترساندن)

﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ﴾ (استفهام انکاری برای تکذیب)

﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ﴾ (استفهام انکاری برای تکذیب)

در متون بلاغی، گاهی امر و نهی، از معنای حقیقی خود که بر طلب درخواست انجام دادن یا ندادن عملی و استیلای جایگاه متکلم نسبت به مخاطب است، خارج شده و برای اهدافی، به سوی معنای دیگری می‌گراید که این اهداف در جهت ترغیب، افزایش تمرکز و

جلب توجه مخاطب به کار می‌رود تا جریان ارتباط بین متکلم و مخاطب را تقویت سازد.
 ﴿فَلَا تَطْعُ الْمُكَذِّبِينَ﴾ (نهی برای ارشاد و راهنمایی)
 ﴿وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ﴾ (نهی برای ارشاد و راهنمایی)
 ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾ (امر و نهی برای پند گرفتن و بیان عاقبت)

۵. ۲. ۳. کنش عاطفی

«این کنش در تحلیل گفتمان، در بر دارنده شور و هیجان و احساسات گوینده، نگرش‌ها و ذهنیت افراد، حالات درونی، درجه دوستی و یا نفرت او از موضوع است که هر جمله‌ای که بیانگر احساس گوینده باشد و به قصد اخبار ادا نشود جمله عاطفی می‌خوانند.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۳۳) این بحث از سبک‌شناسی گفتمانی با مبحث جمله‌های انشائی غیر طلبی مانند: قسم، تعجب، افعال رجا یا ترجی، صیغه‌های عقود و ...، در علم معانی می‌توان برابر دانست که این جملات، بخاطر ارتباطی که بین متکلم و مخاطب ایجاد می‌کند، هم در علم بلاغت و هم در گفتمان‌شناسی، تأثیر شگرفی دارد. این نوع کنش که فقط در سه جای سوره قلم یافت شد، برای متون غنایی که بار عاطفی و احساسی کلام در آن بیشتر است، کاربرد بهتری دارد و در این سوره نسبت به بقیه کنش‌ها از بسامد پایین‌تری برخوردار است.

قسم: ﴿بِئْنَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ...﴾

رجاء: ﴿عَسَى رَبَّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾

تعجب: ﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾

۵. ۲. ۴. کنش تعهدی

«این دسته از جملات برای بیان تعهد گوینده به تعهد یک عمل است. در این کنش گوینده با تأکید می‌کوشد شنونده را متقاعد کند که کلامش صادق است و این برای کسب اطمینان مخاطب ضروری است. این بخش از الگوی گفتمان کاملاً با مبحث خبر طلبی و انکاری در علم معانی انطباق دارد» (امیرپور و روضاتیان، ۱۳۹۷: ۷۰)؛ و با تأکید کردن بر سخن خود تلاش می‌کند شک و تردید احتمالی شنونده را نسبت به کلام خود، از میان بردارد تا به برقراری ارتباطی قوی با مخاطب پردازد و به صورت مؤثر حالات روحی و درونی خود را به مخاطب منتقل سازد. با توجه به بررسی‌های انجام شده، در این سوره بیشتر از جمله‌های خبری ابتدائی استفاده شده است و جملات انشائی در مرتبه دوم کارکرد و شمار انواع خبر قرار دارد که نشان‌دهنده توجه به احوال مخاطب، در نظر گرفتن آگاهی او، مقام خطاب و مقتضای حال است و به همین سبب خبر ابتدائی نسبت به خبر طلبی و انکاری از بسامد بالاتری برخوردار است.

خبر طلبی:

جایی که مخاطب نسبت به مضمون خبر شک و تردید دارد و با آوردن تأکید استحضانی، حکم، تقویت و خبر نیکو می‌گردد تا در جان مخاطب بنشیند. این نوع خبر در آیات (۱-۷-۲۶-۲۹-۳۱-۳۲-۳۴-۳۸-۳۹-۴۵-۴۹-۵۱) مشاهده شده است.

خبر انکاری:

زمانی که مخاطب منکر خبر باشد لازم است متکلم با توجه به مقتضای حال، کلام خود را با بیش از یک تأکید، به اندازه ضعف انکار، بیاورد تا حکم خبر تأکید گردد که این نوع خبر در آیات (۳-۴-۱۷) این سوره آمده است.

۵. ۲. ۵. کنش اعلامی

«این کنش برای نام‌گذاری واقعه و آگاهی دادن درباره یک رخداد به کار می‌رود. این کنش درباره کارهایی است که اگر با موفقیت انجام شود به تغییراتی در اجتماع می‌انجامد. افعالی مانند خبر دادن، محکوم کردن، و منصوب کردن، این کنش را دارند.» (ر.ک. سرل، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۹)

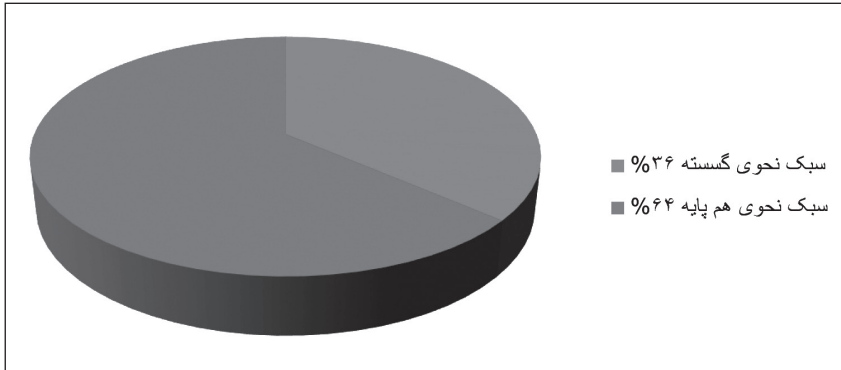
در مورد شأن نزول این سوره در روایات تفسیری آمده است که در دوازده مایلی شهر صنعای یمن در روستایی به نام ضَروان یا ضوران که در یک فرسخی صنعا بوده، و مالکان آن، اهل حبشه و بنا بر نظر ابن عباس (۶۸د ق) اهل کتاب بوده‌اند، قناده (۱۱۰د ق)، باغ را متعلق به پیرمردی از بنی اسرائیل می‌داند که به شکرانه این نعمت، هر ساله به مقدار نیاز خود و خانواده‌اش از محصول و میوه‌ها برداشته و مازاد آن را برای هزینه‌های باغ و مستمندان می‌گذاشته است او هنگام برداشت محصول در باغ را به روی ایتام، بیوه زنان، درماندگان و مسکینان باز می‌گذاشت تا آنان نیز از محصول باغ بهره‌مند شوند، از این رو خداوند باغ او را برکت می‌داد. پس از مرگ پیرمرد، پسران وی وارث باغ شدند و در آن سال به گونه‌ای بی‌سابقه، میوه و محصول فراوانی به بار آمد. صاحبان باغ با دیدن فراوانی دچار غرور و طغیان شده و از طمع بر آن‌ها چیره گشت یکی از آنان پیشنهاد کرد که به علت کثرت زن و فرزند، به محصول این باغ نیازمندتر بوده، از این رو دیگر به نیازمندان چیزی ندهند تا بر ثروت خود بیفزایند. برادری که صالح‌تر بود، ناراحت شده، خدا ترسی، پایبندی به سیره و سنت نیکوی پدر، زیانکار و محروم شدن از برکات و انتقام خدا از گنهکاران را به آنان گوشزد کرد تا پیش از دچار آمدن به به کیفر الهی از نیت نادرست خویش دست بردارند. برادران سخت برآشفته و او را به شدت مضروب ساختند و سرانجام ناگزیر از همراهی شد. لذا آنان هم‌قسم شدند که صبح زود به سراغ باغ رفته چیزی برای نیازمندان نگذارند. با این تصمیم خوابیدند تا صبح زود برنامه خود را عملی سازند غافل از اینکه خداوند برای مجازات آنان در حالی که در خواب بودند، «طائفی» را به سوی باغ آنان فرستاد و باغ به حالت صریح در آمد. (رضایی کرمانی، رجبی قدسی، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۱)

جداول و نمودارهای سبک نحوی و کنش‌های گفتمانی در سوره قلم

جدول شماره ۱: بسامد سبک نحوی جملات در سوره قلم

سبک نحوی	آیات	درصد سبک نحوی
گسسته	۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴	۳۶٪
هم‌پایه	۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۳، ۲۴، ۲۵، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲	۶۴٪

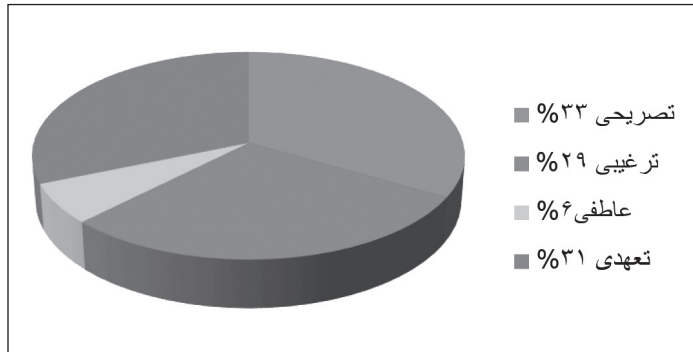
نمودار ۱: بسامد سبک نحوی جملات در سوره قلم



جدول شماره ۲: بسامد کنش‌های گفتمانی جملات در سوره قلم

کنش‌های گفتمانی	آیات	درصد کنش‌ها
تصریحی	۵، ۶، ۹، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۵۰	۳۳٪
ترغیبی	۸، ۱۰، ۲۸، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸	۲۹٪
عاطفی	۱، ۳۲، ۳۶	۶٪
تعهدی	۱، ۳، ۴، ۷، ۱۷، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۴۵، ۴۹، ۵۱	۳۱٪

نمودار ۲: بسامد کنش‌های گفتاری جملات در سوره قلم



نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی سوره «قلم» با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی گفتارمی‌میشل فوکو و رابطه آن با مباحث علم معانی نتایج ذیل حاصل شد:

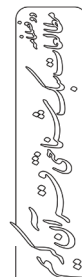
۱- هر گونه اثر و متونی برای اهداف بخصوصی نگاشته می‌شود که تحت تأثیر بافت اجتماعی و موقعیت همان زمان قرار دارد که با تطبیق کنش‌های کلامی و دستوری آیات با علم معانی، روشن گردید که گفتمان در سوره‌های قرآن کریم کاملاً با نظریه سبک‌شناسی میشل فوکو هماهنگ و سازگار بوده و بنا بر اقتضای حال به کار رفته است.

۲- بسامد نوع کنش‌ها و سبک نحوی جمله‌ها نشان می‌دهد آیات قرآن کریم با ظرافت و دقتی اجتناب‌ناپذیر نازل شده و رابطه مستقیمی با بافت اجتماعی برقرار کرده است و با توجه به عوامل بیرونی، این شیوه از بیان و گفتگو بوجود آمده است. از این رو، کنش تصریحی، ترغیبی و تعهدی به ترتیب، پرشمارترین کنش‌های گفتاری در این سوره هستند و کنش عاطفی از کم‌ترین بسامد برخوردار است. شمار بسیار کنش تصریحی نشان می‌دهد خداوند می‌خواهد گزارش و فرایند واقعه عظیمی را که مخاطب از آن بی اطلاع است را به زبان ساده و قاطع به مخاطب القا سازد که محور اصلی گفتمان را تشکیل می‌دهد و دومین کنش برجسته در این سوره به ترتیب کنش ترغیبی و تعهدی است که خداوند در پی ترغیب و برانگیختن مخاطب و تعهد به تحقق یک عمل است که با تأکید، شنونده را نسبت به صدق کلامش متقاعد می‌سازد.

۳- بسامد بالای تأکید با «انَّ» و ترکیب نفی و استثناء، نشانه‌هایی هستند که اصرار خداوند متعال بر ایجاد یک باور قوی در ذهن مخاطبان و قطعیت تکرار سنت الهی نسبت به کیفر معاندان پیامبر و شکست آنان در ستیز با آن حضرت را می‌رساند.

۴- بیشترین بسامد سبک نحوی نیز در این سوره، از نوع هم‌پایه است که سبکی آرام و

توأم با تأمل را با توجه به اقتضای معنایی و دستوری رقم زده تا مخاطب را از نکات مهم بهره‌مند سازد. نتایج نشان می‌دهد سبک نحوی گسسته نیز بعد از سبک هم‌پایه از بسامد بالایی برخوردار است که هر دو سبک نحوی در کنار یکدیگر استفاده شده تا بر تأثیرگذاری روی مخاطب بیفزاید و به ایجاد ارتباط و گفتمانی موفق بینجامد و در انتقال آن به مخاطب نیز موفق بوده است.



سال پنجم

شماره دوم

پیاپی: ۹

پاییز و زمستان

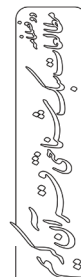
۱۴۰۰

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵): «تحلیل گفتمان انتقادی»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- اکمچیان و همکاران (۱۳۸۲): «زبان شناسی درآمدی بر زبان و ارتباط»، ترجمه علی بهرامی، تهران: رهنما
- امیرپور، فرزانه؛ و سیده مریم روضاتیان (۱۳۹۷): «بررسی الگوی تحلیل گفتمان میشل فوکو و مباحث علم معانی در نامه‌های عاشقانه چهار منظومه غنایی»، فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، شماره دوم، صص ۵۳-۷۹
- دریفوس، هیوبرت؛ و پل رابینو (۱۳۸۹): «میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک»، مترجم حسین بشیریه، تهران: نشر نی
- رجائی، محمد خلیل (۱۳۵۹): «معالم البلاغه»، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲): «جامعه‌شناسی و مسائل ارتباط جمعی»، تهران: اطلاعات
- سکاکی، ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی (۱۴۲۰ ق): «مفتاح العلوم»، بیروت: دار الکتب العلمیه
- سرل، جان (۱۳۸۵): «افعال گفتاری»، ترجمه محمد علی عبداللهی، قم: پژوهشگاه علوم انسانی
- سلیمی نوه، اصغر (۱۳۸۳): «گفتمان در اندیشه فوکو»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۱۹، صص ۵۰-۵۵
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳): «انواع ادبی»، تهران: فردوس، چاپ هشتم
- صالحی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰): «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو»، روش تحقیق کیفی، معرفت فرهنگی و اجتماعی، شماره سوم، صص ۱۱۳-۱۴۱
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴): «ترجمه تفسیر المیزان»، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۱۹
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱): «سبک‌شناسی: نظریه‌ها، روش‌ها و رویکردها»، تهران: سخن
- لونگینوس (۱۳۷۹): «رساله لونگینوس در باب شکوه سخن»، ترجمه رضا سید حسینی، تهران: نگاه
- محمدی، افشار؛ و هوشنگ و کبری شایان مهر (۱۳۹۶)، «سبک‌شناسی لایه‌ای»، کرمان: نشریه ادبیات پایداری، شماره ۹، صص ۲۵۱-۲۸۱
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ ۳۲، جلد ۲۴
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۰): «دانشنامه نظریه ادبی معاصر»، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه
- ون دایک، تئون (۱۳۸۲): «مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی»، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- الهاشمی، احمد (۱۳۸۸): «ترجمه و شرح جواهرالبلاغه»، ترجمه حسن عرفان، قم: بلاغت
- همایی، ماهدخت بانو (۱۳۷۴): «مطالعاتی در تحقیق گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی»، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵): «ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی»، تهران: هرمس
- Foucault, M. (1969) The Archaeology of Knowledge. London: Routledge.
- Foucault, M. (1991) The Foucault Effect: studies in Governmentality.

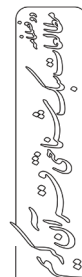
Bibliography

- Holy Qutan, Translated by Hossein Ansarian
- Agha Golzadeh, Ferdous (1385SH), critical discourse analysis, Tehran: Scientific and Cultural Publications
- Ekamjian et al (1382SH), Linguistics, Knowledge of Language and Communication, translated by Ali Bahrami, Tehran: Rahnama
- Dreyfus, Hubert; and Paul Rabino (1389SH), Michel Foucault Beyond Structuralism and Hermeneutics, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Ney publishing
- Rajaei, Mohammad Khalil (1359SH), Ma'alem al-Balaghe, Shiraz: Shiraz University Press
- Sarukhani, Baqer (1372SH), Sociology and Mass Communication Issues, Tehran: Information
- Sakaki, Abu Yaqub Ibn Muhammad Ibn Ali (1420 AH), Meftah al-Uloom, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya
- Sarl, Jan (1385SH), Verbs of speech, translated by Mohammad Ali Abdullahi, Qom: Research Institute of Human Sciences
- Shamisa, Siros (1373SH), literary types, Tehran: Ferdous, 8th edition
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1374SH), translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers, volume 19
- Fatuhi, Mahmoud (1392SH), stylistics: theories, methods and approaches, Tehran: Sokhan
- Longinus (1379SH), Longinus' treatise on the glory of speech, translated by Reza Seyed Hosseini, Tehran: Negah
- Makarem Shirazi, Nasser (1380SH), Sample interpretation, Tehran: Dar al-katb Islamic, edition 32, volume 24
- Makarik, Irena Rima (1390SH), Encyclopaedia of Contemporary Literary Theory, translated by Mehran Mohammad Nabovi, Tehran: Agah
- van Dyck, Theon (1382SH), Studies in Discourse Analysis: From Text Order to critical Exploration Discourse, Translators Group, Tehran: Center for Media Studies and Research
- Al-Hashemi, Ahmad (1388SH), translation and description of Jawaher al-Balagheh, translated by Hassan, Erfan, Qom: Balaghat
- Homaei, Mahdokht bano (1374SH), studies in discourse reseach: from the order of the text to the discourse of critical analysis, Translators Group, Tehran: Center for Media Studies and Research
- yar Mohammadi, Lotfollah (1385SH), communication from the perspective of critical discourse studies, Tehran: Hermes
- Foucault, M. (1969) The Archaeology of Knowledge. London: Routledge.
- Foucault, M. (1991) The Foucault Effect: studies in Governmentality.-Articles
- Amirpour, Farzaneh; and Seyedah maryam Rouzatian (1397SH), a review of Michel Foucault's discourse analysis model and the topics of semantics in the love letters



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- of four lyrical poems, persian Literature Textology chapter of Isfahan University Research and Technology vice-Chancellor, No.2, pp.53-79
- Salimi Noh, Asghar (1383SH), Discourse in Foucault, Kahan Farhani, No.219, pp.50-55
 - Salehzadeh, Abdul Hadi (1390SH), a result of Michel Foucault's discourse analysis, qualitative research method, cultural and social knowledge, third issue, No.3, pp.113-14
 - Mohammadi, Afshar; and Houshang and Kobra Shayanmehr (1396SH), Layered Stylistics, Kerman: Persistence Literature Journal, No.9, pp. 251-281



سال پنجم
 شماره دوم
 پیاپی: ۹
 پاییز و زمستان
 ۱۴۰۰